

بولتن کارگری

گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شماره 1، 25 اکتبر 2013

تحلیل



انتصاباتی که خط مشی آتی دولت را ترسیم کردند
صادق کار

خبرگزاری کار ایران (ایلنا) اخیراً خبر از انتصاب اعضای جدید هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی توسط وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی داده است. به گزارش ایلنا، علی ربیعی، ابوالحسن فیروزآبادی، محسن خلیلی عراقی، محمد فرهادی، محمد نهاوندیان، محمد باقر نوبخت، مهدی کرباسیان، اولیاء علی بیگی (رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور) و اکبر شوکت (رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور) رابه عنوان اعضای هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق های وابسته منصوب نمود.

با این انتصاب در واقع برخلاف انتظار هیچ تحولی توسط وزیر کار جدید رخ نداده، حتی تلاشی هم برای احیاء شورای عالی تأمین اجتماعی که توسط احمدی نژاد و تصویب مجلس و همراهی چاکر منشانه نمایندگان "کارگری" وابسته به دولت، در شرایط غیبت و سرکوب سندیکاها و جایگزین کردن "هئیت امنای" به جای شورای عالی تأمین اجتماعی، جهت تسهیل غارت ثروت های هنگفت تأمین اجتماعی صورت گرفت بعمل نیامد. تنها اتفاقی که افتاد این شد که عوامل کارگری دولت پیشین را برداشتند و عوامل گوش به فرمان و دست پرورده خودشان را جایگزین آنها کردند. از این ۸ نفر که به این سمت منصوب شده‌اند، تنها دوف نفر کارگرند و هردو آنها نیز وابسته به خانه کارگر هستند و فاقد کمترین مشروعیت و مقبولیت در میان کارگران. انتصاب این دوف نفر که هردو از عناصر شناخته شده تشکل وابسته به حکومت خانه کارگر هستند توسط وزیر کار نشان می دهد که وی اعتقاد قلبی به وعده های که به کارگران راجع به پذیرش و رعایت مقاوله نامه‌ها و کنوانسیونهای بنیادین کار و رعایت حقوق کارگران داده ندارد و هنوز جوهر لیست وعده هایش خشک نشده زیر آنها زده و بجای کارگران تصمیم گرفته مثل گذشته، خودش برای کارگران از میان دست پروردگان خودش و به سیاق وزرای پیشین (نماینده) بترشد و در حالی که وعده پیگیری مذاکرات معوقه با نمایندگان سازمان بین المللی کار بر سر اجرای مقاوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را می دهد، دو تن از اعضای تشکلی را به سمت نماینده کارگر منصوب می کند که نمایندگان سازمان بین المللی کار تشکل مذکور را فاقد وجهت حقوقی لازم به عنوان تشکل کارگری تشخیص داده است و رسماً خواهان پذیرش حقوق سندیکایی کارگران ایران مطابق با کنوانسیونهای ۸۷ و ۹۸ و انطباق ماده ۱۳۱ قانون کار و تبصره‌های مربوطه با کنوانسیونهای مذکور شده‌اند.

قوانین و مقررات تأمین اجتماعی که در سال ۱۳۵۴ و در انطباق با قوانین تأمین اجتماعی پیشرفته جهانی تکمیل شده‌اند، در مجموع قوانین نسبتاً جامعی هستند که در صورت اجرا شدن می توانند حداقل نیازهای، بهداشتی، درمانی، معیشتی، رفاهی و امنیت اجتماعی کارگران در دوران اشتغال، بیماری و آسب دیدگی و بازنشستگی کارگران و خانواده های شان را تأمین کنند. منبع ۳۰ درصدی حق بیمه که توسط کارگرکارفرما و دولت تعیین شده اگر بطور منظم پرداخت شوند به همراه سود حاصله از سرمایه گذاری هایی که از محل درآمد انباشته شده سازمان صورت گرفته در صورت وجود مدیریتی که فاسد و نالایق نباشد، می تواند منبع مالی لازم جهت انجام تعهدات سازمان را تأمین کند. بنا بر این اگر تأمین اجتماعی در سالهای اخیر دچار بحران گردیده و از پس تعهداتی که به عهده‌اش نهاده شده ظاهراً نمی تواند بر آید دلایل آن چیزی نیست که دولت ها و کارفرمایان می گویند. مخالفت با قوانین تأمین اجتماعی امر تازه‌ای نیست. حتی در سالهای که چرخ سازمان تأمین اجتماعی می گشت و خیری از بحران امروزی اش نبود، مخالفت با آن از طرف کارفرمایان و افراد وابسته به حکومت کم نبود. در طول سالهای پس از انقلاب تا کنون در حالیکه که کارگران خواهان ادامه توسعه و بهبود و اصلاح قوانین و مقررات تأمین اجتماعی و کار شده‌اند، عده زیادی در حکومت جمهوری اسلامی، به واسطه منفعت طلبی زیاده از حد و عقاید واپسگرایانه، حتی قوانین پیشین را زیادی می دانستند و می دانند و بهمین جهت پیوسته خواهان تعدیل و حذف قوانین رفاهی به بهانه های واهی شده‌اند و دولت ها نیز گرچه نه به یک اندازه، ولی به شکل فزاینده بیشتر و بیشتر به این خواست گردن نهاده و خود نیز با بهره برداری غیر قانونی از اموال

این سازمان و پرداخت نکردن سهم حق بیمه دولت، ایجاد بیکاری و تضعیف تولید، عدم ارایه گزارش سالیانه از عملکرد مالی سازمان و جلوگیری از مشارکت نمایندگان سازمانهای واقعی کارگری به تضعیف بنیه مالی تامین اجتماعی کمک شایانی کرده‌اند. این افراد که تعدادشان فزونی یافته و با افزایش میزان ثروت و نفوذشان فشارشان جهت حذف و تعدیل خدمات اجتماعی نیز فزونی یافته، با این ادعای ناحق که گویا مشکلات مالی و بهم ریختگی سامان تامین اجتماعی، نه نتیجه مدیریت غلط و تفکر و فساد و چپاول نجومی دارایی و درآمدها و سوء استفاده دولتها از ذخیره ها و امکانات و زیر پا نهادن عامدانه مداوم قوانین و اساسنامه سازمان تامین اجتماعی است، بلکه به خاطر ماهیت قوانین و معقول نبودن آنها است، تلاش می کنند، بجای پرداختن به دلایل واقعی بحران و رفع آنان از زیر بار تعهدات قانونی شان شانه خالی کنند و از طریق تعدیل قوانین و کاهش خدمات، افزایش سهم بیمه کارگر، حذف سهمیه دولت، کاهش سهم کارفرما، افزایش سن بازنشستگی، افزایش سهم کارگر از هزینه درمان و عدم افزایش حقوق دوران بازنشستگی کارگران، خسارات جبران ناپذیری را که به این سازمان وارد کرده‌اند جبران نموده و تعدیل قوانین و خدمات را ناگزیر و مشروع جلوه دهند. اینک که اعتراض نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی به یک مسله همه گیر تبدیل گردیده و ادامه وضعیت فعلی اساس این سازمان را تهدید میکند و ضرورت نظارت سازمانهای کارگری بر تصمیمات مدیریت آن اهمیت بیشتری از گذشته دارد، وزیر کار که مدعی است باز سازی تامین اجتماعی جز مهمی از برنامه اش را تشکیل می دهد، بجای درک این ضرورت و دادن پاسخ مقتضی به آن مانند سلف خویش کوشش می کند با انتصاب افرادی از تشکل خود ساخته اش مانع شرکت نمایندگی واقعی کارگران در مدیریت سازمانی گردد که عمده سرمایه آن بطور مستقیم و غیر مستقیم توسط کارگران تامین شده و می شود. این در حالی است که نمایندگان سازمانهای عمده کارفرمایی می توانند نه تنها در مدیریت تامین اجتماعی حضور بیابند و از منافع و علایقشان دفاع کنند، بلکه ریاست دفتر رئیس جمهور را نیز به آنها اعطا می کنند. ربیعی با این انتصاب در واقع خط مشی دولت جدید در قبال جنبش سندیکایی مستقل را در عمل آشکار کرد و نشان داد که نمی شود به وعده های ایشان اعتماد کرد.

📖 از تجارب دیگران



از نظارت دولتی تا یک آینده فراملی
تجارب از اتحادیه های کارگری برزیل
نوشته لوسی مک ماهون
ژوئن 2013
(بخش اول)

جنبشها و اتحادیه های کارگران برزیل دستاوردهای با ارزشی را، خاصه در زمان سرنگونی نظام دیکتاتوری سالهای 1980 و نیز در فاصله گرفتن نسبی از اقدامات نئولیبرالی 25 ساله اخیر، کسب کرده اند. فشار رقابتی در یک [اقتصاد] جهانی شده قرن بیست و یکمی هنوز هم موجب وخامت وضع

کارگران در برخی از بخشهاست. با این حال کارگران برزیل به امکان عقد اتحاد با کارگران کشورهای دیگر برای دست یافتن به حقوق کار در شرکتهای چندملیتی امیدوارند. این شرکتهای هنوز هم از قدرت سیاسی فوق العاده ای برخوردارند و آنها هستند که مقررات ناظر بر مناسبات میان دولت و کارگران را دیکته می کنند.

ریشه های مناسبات دولت و اتحادیه

از سالهای 1930 به این سو، شرایط کار در برزیل به عنوان "هدیه" ای به کارگران تبلیغ می شده اند؛ کیفیتی که بر واقعیت بی قانونی، فساد و استثمار پرده ساتر می پوشاند. اگرچه رژیم دیکتاتور برزیل، گتولیو وارگاس، در قانون اساسی 1937 برزیل اعتصاب را ممنوع اعلام می کرد، اما قانون کار سال 1943 توسط همان دیکتاتور وضع شده بود تا مگر حمایت اتحادیه ها و جنبشهای کارگری را به سمت او بکشاند. تاکتیکهای وارگاس از فاشیسم موسولینی به عاریت گرفته شده بودند؛ از جمله این که قانون کار مذکور یک رشته امتیازات اجتماعی را برای کارگران قائل می شد و در عین حال کنترل دولتی مؤکدی را بر فعالیتهای آنان اعمال می کرد.

مقاومت اتحادیه ها در برابر دیکتاتوری

روز 12 می سال 1978 کارگران کارخانه ساب - سکانی در سائوپولو درخواستی را برای افزایش دستمزد مطرح کردند. جنبش اعتصابی سال 1980، که از حرکت مزبور سرچشمه می گرفت، به مدت 41 روز ادامه یافت و سرانجام

با بازداشت‌های وسیع و از دست رفتن 40000 شغل، به شکست انجامید. در سال 1983، اتحادیه‌های کارگری در قالب کارزار "همین الان" برای برگزاری انتخابات مستقیم ریاست جمهوری، متحد شدند. رهبران اتحادیه‌ها چهره‌هایی بودند چون لونیو اینیاتسیو لولا دا سیلوا (رئیس جمهور برزیل 2003 - 2010) و فرناندو هنریک کاردوسو (1995 - 2003). برزیل در سالهای 1983، 1986 و 1989 شاهد اعتصابات سراسری‌ای بود که رزمنده‌ترین شان به سال 1989 تعلق داشت. این اعتصاب خواهان بازپرداخت تنزل دستمزدها که نتیجه سیاست‌های ضدتورمی بود، شد. استراتژی اعتصابات مذکور اشغال کارخانه‌ها را نیز شامل می‌شد، که قابل توجه‌ترین مورد، اشغال 16 روزه کارخانه Companhia Siderúrgica Nacional در نوامبر 1988 در منطقه ولتا ردونیا در ریو دو ژانیرو، توسط کارگران فلزکار بود. اشغال کارخانه با دخالت ارتش خاتمه یافت و به مرگ 3 کارگر انجامید. دهه 1980 همچنین مقارن اوجگیری محبوبیت حزب جدید کارگران بود، که ریشه‌های اتحادیه تنومندی داشت و بعداً از سال 2003 بر برزیل حاکم شد. با سقوط دیکتاتور جوانو باتیستا فیگوئیردو و ظهور دموکراسی، اعتصاب و به همراه آن تعدادی از اتحادیه‌های "غیرقانونی"، از جمله "فدراسیون مرکزی کار" و "قدرت اتحادیه‌ای" قانونیت یافتند.

حالا دموکراسی، اما سیاست همان سیاست سابق؟

با این حال برخی از منتقدان طرح می‌کردند که حتی در سالهای 1990 نیز فعالیتهای اتحادیه‌ای در برزیل تنها در چارچوب یک سیستم کنترل شده دولتی می‌توانستند صورت گیرند؛ سیستمی که حقی برای آزادی و سازمانیابی آن فعالیتهای قائل نبود. تمام اتحادیه‌ها می‌بایست نزد دولت به ثبت می‌رسیدند. از این قرار دولت می‌توانست مجوز آنها را باطل و رهبران کارگری را از کار بیکار کند. قانون سندیکائی "یونی سیداد" (وحدت)، فعالیت بیش از یک گروه را در گروه‌های شغلی در یک شهر معین ممنوع می‌کرد و اختیاری که به اتحادیه‌ها داده شده بود تا عموم کارگران حوزه معینی را، صرف نظر از عضویت آنان در اتحادیه، به پرداخت حق عضویت موظف کنند، امکان مداخله دولت در امور مالی اتحادیه‌ها را فراهم می‌آورد.

دولت همزمان با اخذ مشدد مواضع پوپولیستی (با ادعای مبارزه برای حقوق کارگران)، عرصه سیاسی را نیز، که زمانی در اشغال رهبران رادیکال‌تر اتحادیه‌ها بود، به تصرف خود درآورد. از این قرار و به معنای خاصی، "خارج" از دولت دیگر اتحادیه‌ای وجود نداشت. در سالهای نخست دهه 1990 از اغلب کارگران اعتصابی خواسته می‌شد که علیه کارفرمایانشان اعتراضی نکنند، بلکه خواهان مداخله "دادگاه کار" شوند، زیرا این تصور عمل می‌کرد که این دادگاه دولت-ساخته همیشه طرف کارگران را خواهد گرفت.

📖 چند خبر خارجی

توافق میان کارگران و مدیریت شرکت حمل و نقل منطقه خلیج سانفرانسیسکو
اعتصاب با موفقیت کارگران پایان یافت

روی کارول، از لس آنجلس

گاردین، سه شنبه 22 اکتبر

پس از 4 روز اعتصاب، توافق میان کارگران و مدیریت شرکت حمل و نقل منطقه خلیج سانفرانسیسکو حاصل شد.



اعتصاب در شرکت حمل و نقل منطقه خلیج سانفرانسیسکو (بارت)، با توافق میان کارگران اعتصابی و مدیریت این شرکت به پایان رسید. با این توافق امید می‌رود که وضع، پس از 4 روز اعتصاب فلج کننده، به سرعت به حالت عادی برگردد.

دیروقت روز دوشنبه گذشته رهبران اتحادیه کارگری و مدیران شرکت "حمل و نقل سریع السیر منطقه

خلیج" (BART) به توافقی آزمایشی دست یافتند. این توافق در روز سه شنبه انتظار بازگشت آرام به وضع عادی را فراهم آورد.

شرکت "بارت"، پنجمین بزرگترین شبکه راه آهن در امریکا است و روزانه به طور متوسط 400000 مسافر را جابجا می‌کند. جاده‌های کپی‌کپی ناشی از این اعتصاب و صف‌های طولانی اتوبوس و لنج، از سوئی موجب اختلال گسترده و از سوی دیگر اتهام متقابل کارگران و شرکت "بارت" به یکدیگر به عنوان عامل این اختلال شدند. روز جمعه گذشته،

با عدم حصول توافق بین کارگران و مدیریت "بارت" بر سر دستمزدها و شرایط کار، کارگران دست از کار کشیدند. از آن پس هر دو طرف زیر فشارهای سنگینی برای رسیدن به یک توافق قرار داشتند. گریس کرونیگان، مدیرکل شرکت "بارت"، پس از خاتمه مذاکرات ابراز داشت: "توافق حاصله، ما را به پرداختهای بیشتری از آنچه در نظر داشتیم ببردازیم، مجبور می کند".

جزئیات توافق هنوز منتشر نشده اند و باید هم توسط هیئت مدیره شرکت "بارت" و هم توسط چندین اتحادیه محلی و فدرال به تصویب برسند. توافق با میانجیگری گرگ لیم، که یک میانجی فدرال است، حاصل آمده است.

ستوان گاوین نیوسوم فرماندار کالیفرنیا در واکنش به این توافق گفت: "این دیگر باید آخرین باری باشد که مسافران قربانی رابطه زهرآلود آژانس حمل و نقل و اتحادیه می شوند. زندگی بسیاری از مردم از این اعتصابات متأثر شده است." این واکنش فرماندار کالیفرنیا از این رو بوده است که در ماه ژوئیه همین سال نیز اعتصاب در شرکت "بارت" باز هم به توقف 4 روزه خدمات حمل و نقل شده بود.

قابل ذکر است که تصادفی در روز شنبه که به مرگ 2 تن از کارگران بخش نگهداری شرکت "بارت"، کریستوفر شپارد 58 ساله و لارنس دانیل 66 ساله انجامید، بر مذاکرات سایه انداخته بود. این دو نفر در حالی که مشغول واریسی راه آهن بودند، مورد اصابت یک قطار قرار گرفتند. مدیریت شرکت، پس از آن که آشکار شد قطار مزبور توسط یک کارآموز هدایت می شده است، تحت بازپرسی قرار گرفت. این کارآموز از زمره اعضای گروهی بود که آموزش می دید تا بتواند در شرایط اعتصاب قطارها را به حرکت در آورد. اتحادیه کارگری این نقشه را خطرناک خوانده بود.

حدود یک چهارم از بودجه سالانه شرکت "بارت" مصروف کارگران می شود. مدیریت این شرکت در صدد بوده است که از محل دستمزد کارگران بخشی از بودجه نوسازی در تأسیسات را برای تأمین کارائی بیشتر فراهم آورد.

بنا به اظهار رهبران اتحادیه، آنها پذیرفته بودند که روی هزینه های بهداشت، سهم بازنشستگی و دیگر اقلام تفاهم کنند و رسیدگی به اختلافات باقیمانده را به یک دادگاه بسپارند. اما، به زعم آنان، مدیریت شرکت موضع سختی داشته بوده است.

مدیریت کارخانه پتروشیمی گرنج ماوٹ در اسکاتلند: "نام اعتصاب را نیاورید تا کارخانه بازگشایی شود!!"

اخبار انگلیسی، بی.بی.سی

23 اکتبر 2013



صاحب کارخانه پتروشیمی گرنج ماوٹ در اسکاتلند اعلام کرد که تصمیم در مورد بازگشایی کارخانه در صورتی گرفته خواهد شد که کارگران از تهدید به اعتصاب دست کشیده باشند.

کارخانه پتروشیمی مجتمع غول پیکر گرنج ماوٹ در اسکاتلند مرکزی در آستانه تعطیل شدن است. در این صورت 800 نفر شغل خود را از دست خواهند داد. این خبر روز چهارشنبه 23 اکتبر به اطلاع نیروهای کار کارخانه و پالایشگاه نفت مرتبط با آن رسانده شد. نخست وزیر اسکاتلند با گفتن این که "بزرگترین ترسی که داشتیم، همین بود" نسبت به تعطیل کارخانه واکنش نشان داد.

اتحادیه "وحدت" تعطیلی کارخانه را "فاجعه" نامید و اعلام کرد که تا آخرین نفس برای باز نگهداشتن کارخانه کوشیده است.

این امید، از جمله در دولتهای انگلیس و اسکاتلند هنوز هست که شرکت اینئوس، صاحب کارخانه، در تصمیم خود دایر بر تعطیل کارخانه تجدینظر کند.

اتحادیه "وحدت" در صدد است که در روزهای آتی پیشنهادهای جدیدی را برای نجات کارخانه به مدیریت آن ارائه کند. اگرچه ممکن است در روزهای آینده مذاکراتی صورت گیرند، اما شرکت اعلام کرده است که چشم اندازی برای مصالحه برای تجدینظر در تصمیم به بستن کارخانه وجود ندارد.

حدود 800 نفر از 1370 کارگر ثابت مجتمع گرنج ماوٹ و تعداد بسیاری کارگر قراردادی برای کارخانه پتروشیمی کار می کنند.

منازعه بر سر کارخانه با اخراج یکی از مقامات اتحادیه "وحدت" آغاز شد و با تهدید به اعتصاب بالا گرفت. مدیر و مؤسس اینئوس، جیم راتکلیف، گفته است که با تعطیل کارخانه پتروشیمی، تعطیل پالایشگاه نیز بسیار محتمل خواهد بود.

بیشترین نیاز اسکاتلند، شمال انگلستان و ایرلند شمالی به سوخت توسط این پالایشگاه برآورده می شود. مدیریت کارخانه در بیانیه ای که صادر کرده است، می گوید: "شرکت صریحاً اعلام کرده بود که اگر پیشنهادهای آن برای تغییر در کارخانه رد شوند، نتیجه تعطیل کارخانه خواهد بود. متأسفانه اتحادیه به اعضایش توصیه کرد که هر پیشنهادی برای تغییر را رد کنند".

نتیجه رأی گیری از کل کارکنان شرکت در باره تغییرات 50-50 بود. تقریباً تمام کارمندان اداری موافق طرح شرکت برای تغییر رأی دادند. اما اکثریت بزرگ کارگران به این طرح رأی منفی دادند.

📖 اخبار کارگری داخلی

پزشکان معالج رضا شهابی: سلامتی رضا شهابی در خطر است
سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
پزشکان معالج رضا شهابی مجددا تاکید کرده اند: وی قادر به تحمل کیفر نیست و کوتاهی در معالجات شهابی باعث بروز مشکلات جسمی حادی از جمله بی حسی سمت چپ بدن اومی گردد که بمرور زمان منجر به فلج شدن نامبرده می شود.



رضا شهابی عضو زندانی هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد بعلت تشدید درد کمر و بی حسی پای چپ مجدداً ساعت 10 صبح روز شنبه مورخه 27 آبان به بیمارستان خمینی اعزام شد.
بعد از معاینات انجام شده؛ پزشکان مجدداً تاکید کرده اند که برای ادامه درمان شهابی باید از امکانات فیزیوتراپی و اب درمانی در محیطی خارج از زندان استفاده نماید و نامبرده با این شرایط قادر به تحمل کیفر نمی باشد.

طبق دستورات پزشکان معالج مقرر شد تا هر چه زودتر جهت MRI مجدداً به بیمارستان اعزام گردد. لازم به یاد اوری است که حفظ جان زندانی به عهده زندانبان است و هر گونه کوتاهی در مورد درمان و رسیدگی به این فعال کارگری، عواقب ان متوجه مسئولان ذیربط خواهد بود.

حوادث کار همچنان قربانی می گیرند

اخبار مرگ کارگران همچنان در صدر حوادث کار باقی است و با مرگ نان آوران خانوار های کارگری به جزء عذاب بیشتر برای بازماندگان و در آخر پرداخت مبلغی بابت دیه از سوی بیمه یا کارفرما تغییر دیگری در شرایط کار حاصل نمی شود.
بخشی از اخبار حوادث کار در هفته ای که گذشت حکایت از آن دارد که: واثق کوهی کارگر ساختمانی در منطقه دماذشت تهران به هنگام انتقال میلگرد به پشت بام کارگاه در اثر برق گرفتگی و سقوط از بلندی، جان خود را از دست داد.
این حادثه در خیابان شهید کلانتری نیش کوچه زمره به وقوع پیوست .
در همین حوزه خبری خوانسارنیوز اعلام کرد که بر اثر بروز حادثه در هنگام جابجایی دو کلاف از محصولات مفتولی شرکت صنایع فلزی خوانسار توسط جرثقیل سققی و پاره شدن کمر بند و سقوط آن، محمدرضا داوودی بر اثر ضربه به سر بلافاصله جان خود را از دست داد و کارگر دیگری نیز از ناحیه پا دچار آسیب شد.

مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی استان کرمان نیز خبر مرگ کارگر ۲۳ ساله ای ناشی از حوادث کار را به خبرگزاری ها چنین منتشر کرده است: در پی وقوع حادثه برق گرفتگی در ساختمانی نیمه کاره در رفسنجان، کارگر ۲۳ ساله ای به علت شدت جراحات وارده جان باخت. گفتنی است، علت حادثه از سوی کارشناس حقوقی اداره برق، عدم رعایت حریم خطوط سیم برق از سوی کارفرما و ساخت و ساز نزدیک به کابل برق عنوان شده است.

واحد های تولیدی عاجز از پرداخت حقوق کارگران

اکثر واحدهای تولیدی دیگر قادر به پرداخت حقوق ناچیز کارگران خود نیستند؛ چه رسد به هزینه های تولید.



کانون مدافعان حقوق کارگر خبر داد کارکنان شرکت مهندسی شفاف از اردیبهشت ماه سال جاری هنوز هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده اند.
این شرکت پیمانکاری که در حوزه ی آب و فاضلاب ، نیروگاه ها ، گاز و نفت فعالیت می کند نزدیک به 200 نفر پرسنل دارد که تعداد 65 نفر از آنان ستادی و مابقی در پروژه ها مشغول به کار هستند. این شرکت تعداد زیادی پروژه در داخل و خارج از کشور در دست دارد. اما به دلیل آن که اغلب شرکت های پیمان کاری حقوق و دستمزد پرسنل خود را از محل دریافتی از پروژه به منظور سرشکن نمودن هزینه های آن در همان پروژه پرداخت می کنند و نیز به دلیل آن که دریافتی از

پروژه های مختلف به صورت هم زمان صورت نمی گیرد، هر چند ماه یک بار بخشی از حقوق کارکنان خود را پرداخت می نمایند. لازم به ذکر است که این کارکنان چندین ماه حقوق نیز برای ماه های پیش از اردیبهشت از کارفرما طلب دارند.

ایلنا نیز در گفت و گو با مصطفی نظری نماینده محوری کانون شورای اسلامی کار در شهرهای آبادان، خرمشهر و اروندرود اعلام کرد: ۱۴۰ کارگر شرکت پیمانکاری ثمین صنعت به دلیل کاهش پروژه‌های اجرایی، سه ماه حقوق دریافت نکرده‌اند.

تشدید تحریم‌های اقتصادی باعث شده است این شرکت پیمانکاری که در زمینه ساخت تاسیسات و تجهیزات دریایی فعالیت دارد در اجرای پروژه‌های خود با کمبود مواد اولیه مواجه شود.

حبیب الله محقق دبیر خانه کارگر سمنان هم خبر از تعویق ۶ ماه حقوق بیش از ۱۵۰ کارگر صنایع پی وی سی ایران می دهد.

محقق با اشاره به مشکلات معیشتی بیش از ۱۵۰ کارگر به تبع تعویق ۶ ماه حقوق در گفت و گو با ایلنا، بیان داشت: علاوه بر ۶ ماه حقوق، ۲ ماه بیمه مربوط به ماه‌های تیر و مرداد این کارگران نیز به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نشده است.

به گفته دبیر خانه کارگر سمنان، این واحد به سبب ناتوانی در تأمین نقدینگی برای خرید مواد اولیه تولید دچار مشکل شده است و فروشندگان مواد اولیه که اغلب در زمینه پتروشیمی فعالیت دارند با وضعیت فعلی اقتصادی، محصولات خود را فقط با پول نقد به فروش می‌رسانند.

«محمود حیدریان» رئیس شورای اسلامی کار کارخانه «آب کامه» در سمنان هم شرایط مشابهی را تایید می کند او به ایلنا می گوید: کارگران کارخانه آب کامه از ابتدای سال جاری هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند و تنها چند کارگر که با قرارداد رسمی کار می‌کنند توانسته‌اند مبالغی را به عنوان مساعده از کارفرما دریافت کنند. نماینده کارگران در مورد معوقات بیمه‌ای نیروی کار این کارخانه نیز اضافه کرد: بیمه ماه‌های فروردین، خرداد، مرداد و شهریور سال جاری به علاوه یک سوم بیمه اسفند ماه سال گذشته (۹۱) از سوی کارفرما به حساب تأمین اجتماعی پرداخت نشده است.

پروین محمدی در گفت و گو با سایت اتحاد: "اقدام عملی برای افزایش حداقل دستمزد" سایت اتحاد

چنانچه پاسخ وزارت کار به ما کارگران برای افزایش حداقل مزد یک پاسخ عملی نباشد دست به اقدامات اعتراضی تری خواهیم زد.

دو ماه از آغاز کار دولت جدید می گذرد. حسن روحانی در دوران تبلیغات انتخاباتی و سپس در آغاز کار دولت، اصلی ترین دغدغه دولت یازدهم را تأمین معیشت مردم اعلام کرد. اما آن چیزی را که ما کارگران تاکنون شاهد بوده ایم افزایش قیمت ها و هزینه های زندگی در طول این مدت بوده است و نه تنها این، بلکه وزارت کار تاکنون حتی از ابلاغ ده هزار تومان افزایش حق مسکن که در دولت قبلی مصوب شد نیز خودداری کرده است. بر این اساس باید گفت روشن است که هیچ اراده ای در دولت یازدهم برای بهبود شرایط معیشتی کارگران و عمل به ماده 41 قانون کار وجود ندارد. به نظر می آید این رویکرد از سوی وزارت کار و افزایش هر روزه قیمت‌ها هیچ راهی برای کارگران جز اعتراض باقی نمی گذارد.

ما سال گذشته تلاش کردیم از طریق طومار اعتراضی مسئولین مملکتی را متوجه شرایط مشقت بار کارگران کنیم و با اعتراض به این شیوه، پیگیر خواستهای خود شویم. اما شورای عالی کار علیرغم این اعتراضی که شده بود عملاً و علناً و با زیر پا گذاشتن نص صریح ماده 41 قانون کار حداقل مزد را 7 درصد پایین تر از تورم رسمی تعیین کرد. این در حالی بود که تورم واقعی خیلی بیشتر از این ها بود و ما کارگران در زندگی روزمره خود شاهد افزایش هزینه های زندگی تا چندین برابر بوده ایم.

وی در ادامه اظهار داشت: دولت هر روز خود با برنامه و بصورت هدفمندی قیمت ها را بالا می برد اما هر وقت مسئله افزایش حداقل مزد به میان می آید بلافاصله دادشان در می آید که نمی شود، چرا که این مسئله باعث تورم خواهد شد آیا مسخره تر از این وجود دارد که در جامعه ای ظرف مدت دو سال از طریق قطع سوبسیدها و افزایش تعدی قیمت ها از سوی دولت هزینه های زندگی چندین برابر افزایش پیدا کند و آنوقت وقتی افزایش چندرغاز حداقل مزد کارگران به میان می آید، تورم را بودن این مسئله در بوق بشود.

پروین محمدی در باره اقدامات پیش روی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی برای افزایش حداقل مزد اظهار داشت: ما اخیراً نامه ای را به وزیر کار نوشته ایم و طی آن خواهان تشکیل فوری جلسه شورای عالی کار برای افزایش حداقل مزد شده ایم. قرار شده است حداکثر ظرف مدت سه هفته به خواست ما پاسخ دهند و چنانچه این پاسخ یک پاسخ عملی برای افزایش حداقل مزد نباشد بدهی است که ما اقدامات اعتراضی تری را در دستور خواهیم گذاشت و مصممانه خواهان افزایش فوری حداقل مزد خواهیم شد. ما امیدواریم و بهتر آن است که وزیر کار به عنوان رئیس شورایی کار اقدام مقتضی را در این زمینه انجام دهد. خواست افزایش حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار یک خواست بر حق است و هر کس در مقابل این خواست مقاومت کند هم قانون را زیر پا گذاشته است و هم کارگران را رو در روی خود قرار داده است.